

بسم الله الرحمن الرحيم

يا محمد يا علي

الحكم لله

ابو المظفر اسمعيل بهادر سيوزوميز

- (1) جناب امارت مآب اميرزاده اعظم اكرم خلف الامراء بين الامم
- (2) ¹جلال الدين ¹عبد اللطيف بيك ذوالقدرلو بعنايت بيدريغ پادشاهی
- (3) مخصوص و ممتاز كشته بدانكه قبل ازین عرض اخلاص اورا نسبت بدین دودمان كرامت و هدايت و آستان رفيع الشان سلطنت مكررا (4) بمسامع جلال رسانيده بودند و هم طريقه جلادت و شهامت و مبارزت او بدرگاه اعلى بوضوح پيوسته تونیده خاطر فياض شاهي و عنايات نامتناهی پادشاهی در باره (5) او بدرجه اعلى بود اما جنان بسمع جلال رسيدكه در محلى كه متوجه درگاه سلطان سليم شده بوده اورا گرفته مقيد و محبوس كردانیده حال انك مقيد و گرفتار شدن (6) عجب نيست چرا كه جندين محبوسان بياری حضرت باری عز شانه از حبس خلاصی یافته اند امید از حضرت لوهيت چنانست كه انجناب نیز از محبوسى (7) نجات يابند اما محلى كه از تقيدى خلاص يابد بايد كه بی دغدغه و اندیشه خاطر از سر امیدوارى هرچه تمامتر با برادران و اولاد ذوالقدرلو و (8) جماعتی كه با او متفق باشند رو بدرگاه عالمناه آورد كه نظر عنايت و مرحمت خسروانه در شان او بمرتبه اعلى است و بی شائبه بما فوق المقاصد (9) و المارب فائز كشته شفقت خواهد شد محلى كه فرصت واقع شود غنيمت دانسته از صفاء نيت و عقيدت درست بی توقف توجه نمایند كه تمامی عالی منش و (10) جلگى همت عالم پرورش بدان متوجه است كه انجناب را به شفقت بی غایت شاهى بنوعى ممتاز كردانند كه محسود جهانيان كشته شرف امتياز (11) او بر عالميان واضح كردد درین باب تقصير ننمایند نحریراً فی اواسط جمادى الآخر سنه ثلث و عشرين و تسعمایه

¹ خم